

عُمْدَةُ السَّالِكِ وَعُدَّةُ النَّاسِكِ

تأليف:

شهاب الدين ابوالعباس أحمد بن النقيب المصري

وفات:

سال ۷۶۹ هجری قمری

ترجمه، تحقیق، تفریح أحادیث و بیان دلایل:

سید مسلم تفت دار

مدرسه امیریہ

جزیره قشم – گیاهدان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

[۱] وَإِنْ تَغَيَّرَ بِالزَّعْفَرَانِ وَنَحْوِهِ يَسِيرًا [۲] أَوْ بِمُجَاوَرَةٍ كَعُودٍ وَدُهْنٍ مُطَيَّبِينَ [۳] أَوْ بِمَا لَا يُمَكِّنُ الصَّوْنَ عَنْهُ كَطَحْلِبٍ وَوَرَقِ شَجَرٍ تَنَائَرَ فِيهِ وَبِثَرَابٍ وَطَوَّلٍ مُكْتَبٍ [۴] أَوْ اسْتُعْمِلَ فِي النَّفْلِ كَمُضْمَضَةٍ وَتَجْدِيدِ وَضُوءٍ وَعَسَلٍ مَسْنُونٍ [۵] أَوْ جُمَعَ الْمُسْتَعْمَلُ فَبَلَغَ قُلَّتَيْنِ جَازَتْ الطَّهَارَةُ بِهِ.

[۱] پس اگر با زعفران و مانند آن تغییر کرد تغییر کم، [۲] یا به مجاورت (تغییر کرد) مانند چوب و روغن خوشبو، [۳] یا (تغییر کرد) با چیزی که حفظ و نگهداری از آن امکان ندارد مانند جلبک و برگ درختی که در آن ریخته شده باشد، و (یا) با خاک و ماندن طولانی (تغییر کرد)، [۴] یا در سنت استعمال کرده شد مانند مضمضه و تجدید وضو و غسل سنت، [۵] یا آب مستعمل جمع کرده شد پس به دو قله رسید، (در تمامی موارد یاد شده) طهارت گرفتن با آن جایز است.

وَلَوْ أَدْخَلَ مُتَوَضِّئٌ يَدَهُ بَعْدَ عَسَلٍ وَجْهَهُ مَرَّةً أَوْ جُنْبٌ بَعْدَ النِّيَّةِ فِي دُونَ الْقُلَّتَيْنِ فَاعْتَرَفَ وَنَوَى الْإِعْتِرَافَ لَمْ يَضُرَّهُ وَإِلَّا صَارَ الْبَاقِي مُسْتَعْمَلًا.

و اگر شخص وضوگیرنده بعد از شستن صورتش یکبار یا شخص جنب بعد از نیت، دستش را در آب کمتر از دو قله داخل کرد پس یک کف دست، آب برداشت و نیت برداشتن آب کرد، به آن (آب) ضرر نمی‌رساند و اگر نه باقی آب مستعمل می‌گردد.

وَلَوْ انْغَمَسَ جُنْبَانٍ فَأَكْثَرَ دُفْعَةً أَوْ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ فِي قُلَّتَيْنِ، ارْتَفَعَتْ جَنَابَتُهُمْ وَلَا يَصِيرُ مُسْتَعْمَلًا.

^۱ . بِمُجَاوَرَةٍ: به گونه‌ای که اجزای آن با آب مخلوط نمی‌شود و امکان جدایی آن از آب وجود دارد.

^۲ . در المجموع آمده: ابن المنذر در مورد اینکه اگر آبی با ماندن طولانی تغییر کند کراهتی ندارد، اتفاق علماء را بیان نموده است.

و اگر دو شخص جنب یا بیش تر، یک دفعه یا یکی پس از دیگری در آب دو قله فرو رفتند جنابت ایشان برطرف می شود و آب مستعمل نمی گردد.

وَالْقُلَّتَانِ خَمْسِيَاةٍ رِطْلٍ بَغْدَادِيَّةٍ تَقْرِيْبًا، وَمَسَاحَتُهُمَا ذِرَاعٌ وَرُبْعٌ طَوْلًا وَعَرْضًا وَعُمُقًا.^۳ فَالْقُلَّتَانِ لَا تَنْجُسُ بِمَجَرَّدِ مُلَاقَاةِ النَّجَاسَةِ بَلْ بِالتَّغْيِيرِ بِهَا وَلَوْ يَسِيرًا.^۴

و دو قله تقریباً پانصد رطل بغدادی است، و مساحت دو قله، یک ذرع و ربع از جهت طول و عرض و عمق است. پس دو قله به محض رسیدن نجاست، نجس نمی شود بلکه به تغییر خوردن با آن (نجس می شود) و اگر چه تغییر کم باشد.

ثُمَّ إِنَّ زَالَ التَّغْيِيرِ بِنَفْسِهِ أَوْ بِمَاءٍ طَهَّرَهُ، أَوْ بِنَحْوِ مِسْكِ أَوْ بِجِلٍّ أَوْ بِتُرَابٍ فَلَا.^۵

۳. دو قله تقریباً ۱۹۰ لیتر است.

۴. سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الْمَاءِ وَمَا يَنْوِبُهُ مِنَ الدَّوَابِّ وَالسَّبَاحِ،

فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا كَانَ الْمَاءُ قُلَّتَيْنِ فَإِنَّهُ لَا يَنْجُسُ. صحیح. ابوداؤد ۶۵

از رسول الله صلی الله علیه و سلم از آب پرسیده شد و از آنچه چهارپایان و درندگان در آن آمدوشد می کنند. پس فرمود: هرگاه آب به دو قله رسید همانا آن نجس نمی شود.

مفهوم حدیث این است که اگر آب کم تر از دو قله باشد نجس می شود و اگر چه تغییر نخورد. این حدیث نیز بر آن دلالت می دهد: إِذَا اسْتَيْقَظَ أَحَدُكُمْ مِنْ نَوْمِهِ، فَلَا يَغْمِسُ

يَدَهُ فِي الْإِنَاءِ حَتَّى يَغْسِلَهَا ثَلَاثًا، فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي أَيْنَ بَاتَتْ يَدُهُ. مسلم ۲۷۸

هرگاه یکی از شما از خواب برخاست پس دستش را در ظرف آب فرو نبرد تا اینکه سه بار آن را بشوید زیرا نمی داند که شب دستش کجا بوده است.

در این حدیث، فردی که از خواب برمی خیزد نهی شده از اینکه دستش را در ظرفی فرو ببرد زیرا بیم آن می رود که دستش با نجاستی که با چشم دیده نمی شود آغشته شده باشد و قطعاً نجاستی که با چشم دیده نمی شود آب را تغییر نمی دهد. پس نتیجه می گیریم که آب کم تر از دو قله به محض ملاقات نجاست، نجس می شود اگر چه آن را تغییر ندهد.

۵. به خاطر از بین رفتن علت نجاست. زیرا از بین رفتن تغییر، دلیل می دهد که نجاست متلاشی شده است.

۶. زیرا نمی دانیم که اوصاف نجاست از بین رفته یا نه؟ همچنین نمی دانیم آنچه به آن اضافه شده نجاست را پنهان کرده یا نه؟ پس طبق قاعده «الیقین لایزول بالشک» به بقای نجاست حکم می کنیم.

سپس اگر تغییر خودبه خود یا با آب از بین رفت، پاک است. یا (اگر) به مانند مسک یا با سرکه یا با خاک (تغییر از بین رفت) پس نه (پاک نیست).

وَدُونَهُمَا يَنْجُسُ بِمُجَرَّدِ مُلَاقَاةِ النَّجَاسَةِ وَإِنْ لَمْ يَتَغَيَّرْ،^٧ إِلَّا أَنْ يَقَعَ فِيهِ نَجْسٌ لَا يَرَاهُ الْبَصَرُ،^٨ أَوْ مَيْتَةً لَا دَمَ لَهَا سَائِلٌ كَذُبَابٍ وَنَحْوِهِ، فَلَا يَضُرُّ؛^٩ وَسَوَاءُ الْجَارِي وَالرَّاكِدُ.^{١٠}

و کم تر از دو قله به محض رسیدن نجاست، نجس می شود و اگر چه تغییر نکند مگر که نجاستی در آن واقع شود که چشم آن را نمی بیند، یا مرداری مانند مگس و مانند آن که خون

^٧ . دلیل آن مفهوم حدیث مسلم ۲۷۸ و ابوداود ۶۵ که گذشت.

^٨ . مثلاً اگر دیده شود مگسی بر روی مدفوع رطوبت دار نشسته است سپس آن مگس بر لباسی قرار بگیرد؛ پای مگس نجاست را حمل می کند اما آن قدر ناچیز است که چشم آن را نمی بیند.

^٩ . قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا وَقَعَ الدُّبَابُ فِي شَرَابٍ أَحَدِكُمْ فَلْيَغْمِسْهُ ثُمَّ لِيُزِعْهُ، فَإِنَّ فِي إِحْدَى جَنَاحَيْهِ دَاءٌ وَالْأُخْرَى شِفَاءٌ. بخاری ۳۳۲۰

هرگاه مگس در نوشیدنی یکی از شما واقع شد آن را در ظرفی فرو ببرد سپس آن را جدا سازد زیرا که در یکی از دو بال آن بیماری و در بال دیگر آن شفا قرار دارد.

وجه دلالت آن، این است که فرو بردن مگس در نوشیدنی بخصوص اگر گرم باشد سبب مُردن آن می شود پس اگر نوشیدنی نجس می شد رسول الله صلی الله علیه و سلم به فرو بردن مگس در آن دستور نمی داد. همچنین محافظت و نگهداری ظرفها از چنین جاندارانی که خون جاری ندارند (مانند: زنبور، مور، مورچه، پشه، عقرب) سخت و مشقت آور است پس شریعت از آن عفو می نماید.

^{١٠} . زیرا حدیث قلتین بین جاری و راکد فرقی قائل نشد.

در معنی المحتاج آمده: اگر در آبِ کمِ جاری، نجاستی واقع شد و موافق جریان آب حرکت می کرد فقط آن موجی که در آن نجاست واقع است نجس می شود و اما موج قبل و بعد از آن، حکم غُساله پیدا می کند و بقیه موجها از حکم خارج می شوند.

اما اگر نجاست بی حرکت بود و آب بر روی آن می گذشت پشت آن موجی که نجاست قرار دارد نجس نیست ولی محل نجاست و هر آبی که بر آن می گذرد نجس است و اگر چه کیلومترها برود به شرط اینکه آن آبها به محلی نرسد که دو قله باشد زیرا اگر به محلی رسید که دو قله است نگاه می کنیم اگر اوصاف آن آب بوسیله آن نجاست، تغییر نخورده پس آب آن محلی که دو قله است و جلو آن پاک است.

جاری ندارند (در آن واقع شود در این دو صورت به آن آب) ضرر نمی‌رساند. و (حکم) آب جاری و آب را کد یکسان است.

**فَإِنْ كُوِّثِرَ الْقَلِيلُ النَّجِسُ فَبَلَغَ قُلَّتَيْنِ وَلَا تَغَيِّرَ طَهْرَهُ، وَالْمُرَادُ بِالتَّغْيِيرِ بِالظَّاهِرِ أَوْ
بِالنَّجِسِ إِمَّا اللَّوْنُ أَوْ الطَّعْمُ أَوْ الرِّيْحُ.**

اگر آب کم نجس، زیاد کرده شد پس به دو قله رسید و تغییر نکرد، پاک است. و مقصود به تغییر بوسیله پاکی‌ها یا نجاسات، (تغییر) رنگ یا طعم یا بو است.

وَيُنْدَبُ تَغْطِيَةُ الْإِنَاءِ،^{۱۱}

و پوشاندن ظرف‌ها سنت می‌شود.

**فَلَوْ وَقَعَ فِي أَحَدِ الْإِنَاءَيْنِ نَجَسٌ تَوَضَّأَ مِنْ أَحَدِهِمَا بِاجْتِهَادٍ وَظَهَرَ عَلَامَةٌ؛^{۱۲} سَوَاءٌ
قَدَرَ عَلَى ظَاهِرِ بَيْقِينِ أَمْ لَا،^{۱۳} فَإِنْ تَحَيَّرَ أَرَأَقَهُمَا وَيَتَيَمَّمُ بِلَا إِعَادَةَ. وَالْأَعْمَى يَجْتَهِدُ، فَإِنْ
تَحَيَّرَ قَلَّدَ بَصِيرًا.**

^{۱۱} . دلیل آن مفهوم حدیث قلتین است.

^{۱۲} . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا كَانَ جُنْحُ اللَّيْلِ، أَوْ أَمْسَيْتُمْ، فَكُفُّوا
صَبْيَانَكُمْ، فَإِنَّ الشَّيَاطِينَ تَنْتَشِرُ حَيْثُذِي، فَإِذَا ذَهَبَ سَاعَةٌ مِنَ اللَّيْلِ فَحُلُّوهُمْ،
فَأَغْلِقُوا الْأَبْوَابَ وَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَفْتَحُ بَابًا مُغْلَقًا، وَأَوْكُوا قَرَبَكُمْ
وَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ، وَحَمِّرُوا آيَتَكُمْ وَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ، وَلَوْ أَنْ تَعْرُضُوا عَلَيْهَا شَيْئًا،
وَأَطْفِئُوا مَصَابِيحَكُمْ. بخاری ۵۶۲۳

هرگاه شب کردید پس بچه‌های‌تان را ننگه دارید زیرا شیاطین در این هنگام منتشر می‌شوند. هرگاه مقداری از شب گذشت پس آنان را رها کنید و درها را ببندید و نام خدا ببرید زیرا شیطان در بسته را باز نمی‌کند و در ظرف‌های آب خویش را ببندید و نام خدا ببرید و در ظرف‌های غذای خویش را ببندید اگر چه با عرضه دادن چیزی بر آن باشد و چراغ‌های خویش را خاموش کنید.

^{۱۳} . همان‌گونه که اگر قبله نامعلوم شد، اجماع بر آن است که در قبله اجتهاد می‌کند در اینجا نیز اجتهاد جایز است. در المجموع آمده: قول صحیح منصوصی که جمهور به آن قطع نموده‌اند و نصوص امام شافعی آن را تقویت می‌کند این است که طهارت از یکی از این دو ظرف جایز نمی‌شود مگر هرگاه با ظهور علامت اجتهاد کند.

اگر در یکی از دو ظرفی، نجاست واقع شد از یکی از آن دو ظرف به اجتهاد و طهور علامت وضو می‌گیرد، یکسان است به آب پاک، یقیناً قدرت داشته باشد یا نه. پس اگر متحیر شد آن دو را می‌ریزد و تیمم می‌کند بدون اعاده (نماز). و شخص نابینا اجتهاد می‌کند پس اگر متحیر شد از شخص بینا تقلید می‌کند.

وَلَوْ اشْتَبَهَ طَهُورٌ بِمَاءٍ وَرَدِ تَوَضُّأً بِكُلِّ وَاحِدٍ مَرَّةً،^{۱۴} أَوْ يَبُولٍ أَرَاقُهُمَا وَتَيَمَّمَ.^{۱۵}

و اگر آب طهور با آب گلاب (بی‌بو که ظاهر آن شبیه آب شده)، مشتبه شد با هر کدام یک بار وضو می‌سازد. یا (آب طهور) با ادرار (بی‌بو که ظاهر آن شبیه آب شده)، مشتبه شد آن دو را می‌ریزد و تیمم می‌کند.

^{۱۴} . زیرا اصحاب از یکدیگر می‌شنیدند و به آن عمل می‌کردند در حالی که می‌توانستند خودشان نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم بروند و خود را به یقین برسانند اما با وجود این به گفتار صحابی دیگر اکتفا می‌کردند. در اینجا نیز اگر شخصی کنار رودخانه‌ای باشد که بر پاکی آن یقین دارد و دو ظرفی کنار او باشد که یکی از آن‌ها نجس باشد اما نداند نجاست در کدام یک واقع شده، می‌تواند از دو ظرف اجتهاد نموده و از آب رودخانه استفاده نکند.

^{۱۵} . زیرا با وضو گرفتن با هر دو ظرف به یقین می‌رسد که یکی از این دو وضو با آب طهور بوده است.

^{۱۶} . زیرا ظرفی که ادرار در آن است اصل آن نجس است در نتیجه نمی‌تواند اجتهاد کند پس آن دو را می‌ریزد زیرا در حقیقت آب طهور وجود دارد و با وجود آب طهور، نمی‌توان تیمم گرفت.